

دولت ایران و استفاده حربی از پناهجویان افغان

جمهوری اسلامی ایران، این تخلف و نقض صریح اصول و معاهدات بین المللی، مبنی بر اعزام و ارسال (اعم از اعزام اجباری و ارسال خوش به رضاء و یا داوطلبانه) پناهجویان و پناهندگان به جبهات محاربه و خدمات نظامی را بار اول نیست که مرتکب می شود، سال ها قبل این دولت متخلف حقوق اساسی انسان، عده ای کثیری از هموطنان مجبور و لاچار ما را به اجبار و اکراه در فعالیت های شاقه جنگی - نظامی اعزام نموده بود تا در کار های لوژستیکی جنگ های ایران و عراق به خدمت گرفته شوند که تعدادی از آنان با معصومیت تمام در کمال بی نشانی و گمنامی به شهادت نیز رسیدند. این قلم در همان سال ها موضوع را در مقاله ای تصریح کرده بود که بنابر گرمی اوضاع و وفرت مطالب وسیع نظامی و سیاسی مورد توجه کمتر قرار گرفت.

اما اینک این بار با اعتراف تأسف بار دولت جمهوری اسلامی ایران مسأله اعزام پناهجویان و پناهندگان افغان به جبهات جنگ سوریه (شاید هم یمن) رسوا و علنی می شود و دولت ایران برای مشروع گردانی اعزام افغان ها، در خدمات نظامی و جنگی به سیاست های توجیه گرانه ای مبادرت ورزیده است.

جمهوری اسلامی ایران در استفاده از تکنیک های نمایشی حق به جانب بودن، خیلی ماهر و ورزیده است، این مهارت زمینه را برایش فراهم ساخته تا بالاخص در روابط خارجی و بین المللی خود چنان با زرنگی وارد شده و بازی نماید که هم مشتش باز نشود و هم نیت خود را به کرسی بنشاند.

موقف دولت ایران در برابر میثاق (کانونسیون 28 جولای 1951) "امور مربوط به پناهندگان" چنین است که دولت موصوف میثاق را پذیرفته و آنرا امضاء کرده است، مگر در مورد رعایت و تطبیق چند ماده این میثاق برای خود از "حق تحفظ Reservation" استفاده نموده است؛ حق تحفظ یا ریزرف به آن حق اطلاق می شود که دول متعهد به یک میثاق و یا کدام سند بین المللی برای خود حق تحدید "عدم رعایت" یک ماده و یا چند ماده آن سند را حفظ میکنند، یعنی اعلام میدارند که متن یک یا چند ماده را نمی توانند رعایت کنند.

استفاده از حق تحفظ، چیزی مشابه روش "تفسیر فرهنگی" و یا "نسبیت فرهنگی" است، در روش "نسبیت فرهنگی" یک و یا چند ماده یک معاهده در پرتو ثقافت و فرهنگ همان کشور گویا متناسب به فرهنگ آن کشور به شکل و صورت کمی متفاوت با متن میثاق عملی می شود.

اما استفاده از "حق تحفظ" درحالاتی پذیرفتنی نمی باشد، این حالات شامل موارد آتی است:

- در معاهده، ممنوعیت تحفظ قید شده باشد.

- تحفظ مربوط به مواردی باشد که در معاهده، برون از تحفظ اعلام شده باشد.

- تحفظ با اهداف و مقاصد اساسی معاهده در تعارض باشد.

این توضیحات برای آن بود که جمهوری اسلامی ایران در حدود 4 ماده از میثاق امور مربوط به پناهندگان را نپذیرفته است؛ در این مواد مثلاً ماده 26 میثاق هم شامل می باشد، متن این ماده برای پناهندگانی که قانوناً در آن کشور اقامت می نمایند، حق گشت و گذار را در سرزمین های آن کشور ضمانت می نماید، ولی دولت ایران این ماده را نپذیرفته و حاضر نیست چنین حقی را برای پناهندگان مقیم کشورش معتبر بشناسد.

پرسشی مطرح می شود که " آزادی حق گشت و گذار" برای پناهندگان مگر از ((مقاصد و اهداف اساسی)) آن معائنه نبوده است؟؟؟ مقصد و هدف اساسی میثاق مربوط به امور پناهندگان "حمایت، محافظت و رعایت" حقوق بشری پناهجویان و پناهندگان می باشد و آزادی حق گشت و گذار یکی از حقوق صریح بشری پناهندگان است؛ ماده 13 اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده 12 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی این حق را جز حقوق اساسی بشری فرد انسان، پذیرفته است ولی جمهوری اسلامی ایران این حق را از پناهندگان گرفته است در غیابت این حق، انسان حق آزادی را نیز از دست خواهد داد و محصور و قید در یک محل و شهر خواهد گردید.

همچنان دولت ایران در مورد رعایت احکام ماده 24 میثاق امور مربوط به پناهندگان نیز از حق تحفظ استفاده کرده است که باعث میگردد، دولت ایران حد اقل کمک های معشیتی و مدد معاش پناهجویان را بر عهده نگیرد. ماده 27 میثاق نامبرده که دولت پناه دهنده را مکلف به اجرای اوراق مسافرت به پناهجو می نماید، هم نزد دولت ایران در ردیف مواد مورد تحفظ قرار داده شده است که دولت نامبرده از اجرای آن خودداری میکند. برمیگردیم به اصل موضوع که جمهوری اسلامی ایران تعهدات خود به ارتباط مندرجات معائنه امور پناهندگی را عاری از ماهیت الزامی آن ساخته و چنین حالت غیر قابل توجیه را ایجاد کرده است.

طوری که به حقوق دانان این حوزه ای از حقوق میرهن است، مسأله استفاده، کاربرد و استخدام پناهجویان و پناهندگان در عرصه حربی و نظامی، یک مسأله جنجالی بوده و از آن تعبیر مختلف وجود دارد، اما آنطور که قواعد عمومی مبنی بر حقوق خارجی ها یا بیگانگان در کشور های دیگر و اصول مندرج در میثاق مربوط به امور پناهندگان مشعر است انقیاد های مشخص و جدی در برابر استفاده و استخدام پناهندگان در امور حربی و نظامی وجود دارد که به استناد آن تخلف و تخطی جدی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه برملا می شود.

ماده 7 میثاق مربوط به امور پناهندگان مشعر است: «هریک از دول متعاهد در مورد پناهندگان همان رژیم را معمول خواهد داشت که با بیگانگان به طور کلی به عمل می آورد جز در مواردی که به موجب این کانونسیون رژیم بهتری مقرر گردیده است.»

در حقوق بین الملل استفاده نظامی و عسکری از بیگانه - منجمله پناهجو و پناهنده - مبهم و گنگ است و دولت ایران از همین ابهام استفاده برده و در این زمینه همیشه پنهان کاری نموده و تخلفات خویش را درخفا گذاشته است. اما در عرصه حقوق بین الملل بشر دوستانه در امور نظامی و حربی، انسان ها به محاربان (نظامیان یا جنگاوران) و غیر محاربان (غیر نظامیان و غیر جنگاوران) دسته بندی شده اند.

بر اساس کانونسیون سوم ژنیو 1949 و پروتوکول اول آن (1977) تمام افراد و گروه های رزمی و غیر رزمی (محارب و غیر محارب) در ماده ای طی دو فقره، معین و مشخص گردیده اند. که "بیگانگان" (که پناهجویان جزء آن میباشند) در بند دوم فقره دوم همان ماده در زمره افراد غیر محارب دسته بندی شده اند. گرچه شمول بیگانگان در گروه غیر محاربان، در این بند توأم با تردید می باشد ولی تذکرات جانبی این بند، قضیه را وضاحت بیشتر می دهد، مثلاً اینکه شرکت بیگانه در یک جنگ دو متخاصم ممکن است، باعث سرایت وضعیت جنگی با کشور اصلی بیگانه شریک در این جنگ گردد.

نکته مهم دیگر اینکه اسیر شدن بیگانه در یک جنگ - در صورتی که به حیث یک محارب اسیر شود - مجازات وی ماهیت نظامی و خشن را خواهد داشت، و حتی حمایت دولت متبوع موصوف از وی را نیز خنثی خواهد ساخت، مخصوصاً که اگر ثابت شود، شرکت کننده خارجی در یک جنگ به نیت جاسوسی و تمایل ارادی جنگی حصه گرفته است، در صورت اسارت در چنین حالات با عکس العمل خیلی شدید مقامات طرف مقابل مواجه خواهد بود.

افراد بیگانه – که تابعیت هیچ یک از دو جانب جنگ را ندارند - در جریان جنگ ها و اسارت ایشان، در صورت جنگجو بودن، غالباً از امداد های مؤسسات بین المللی بهره چندانى نخواهند برد و یا با بی مهری چنین امداد هایى را دریافت خواهند کرد.

به این صورت تمایل عمومی حقوق بین الملل بشر دوستانه جداً مخالف کاربرد، استفاده و استخدام بیگانگان منجمله پناهجویان در امور نظامی می باشد که ارادى و غیر ارادى بودن این سهم گیرى در حالت شرکت کننده پناهجو در جنگ، نامجاز بودن و ممنوعیت این سهم گیرى را منتفی ساخته نمى تواند.

گوینده تلویزیون بی بی سی محترم جمال الدین موسوی در مصاحبه ای با نطق وزارت خارجه دولت ایران سؤال نمود که چگونه ممکن است، ارادى به دلیل خطر جنگ و هراس از دست دادن حیات خود، به کشور دیگری پناه ببرند و بعد در آنجا داوطلبانه و خوش به رضاء در جبهه جنگ بروند، آن نماینده وزارت خارجه ایران با لحن خیلی مطمئن گفت که: "آخر فامیل های قربانیان جنگ تابعیت دولت ایران را بدست می آورند." چه پاداشی...!

اوضاع و شرایط کنونی دنیا و وضع آشفته دوران ما بیش از پیش به آن نیاز دارد تا اصول و قواعد مربوط به استفاده خارجی ها، پناهجویان، داوطلبان خارجی، افراد متمایل به ایدئولوژی های مختلف که در عملیات نظامی سهم میگیرند، از حالت پیچیده و ابهام زده فعلی خارج گردد و در میثاق های مربوط، با افزود پروتوکول و یا پروتوکول های جدید تکلیف چنین ارادى روشن و واضح گردانیده شود، زیرا گستردگی جنگ های نیابتی، نبود امکانات مساعد زیستی، اقتصادی و شغل و استخدام و ده ها عامل و سبب دیگر، افراد را به صوب شرکت در جنگ های نیابتی می کشاند. این جنگ ها بازارهای گرمی را در زمینه های متعدد به شمول استخدام افراد در صفوف جنگاوران مزدور فراهم نموده است، تا زمانی که عوامل نا مساعد این حالت در وطن و در اطراف منطقه ما حاکم است، هموطنان بیچاره ما در جبهات این جنگ ها جان های شیرین شان را از دست خواهند داد و دولت های فرصت جوی مانند دولت ایران از این وضعیت ما بهره خواهند برد، این وضع ایجاب میکند که مردم شریف و خوش باور و مخصوصاً نسل جوان ما در همچو قضایا باید هوشیار و بیدار باشند.

پایان